

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۴، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۲۷ - ۷

نگاهی فرهنگی بر نقش جمعیت و منزلت افراد در شکل‌گیری فضاهای دیوانی - تشریفات

حسین سلطان‌زاده-

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۳۱

چکیده

برخی از انواع فضاهای دیوانی که با حضور عده‌ای از مردم برای انجام بعضی مراسم و تشریفات اجتماعی و دیوانی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و می‌توان آنها را فضاهای دیوانی - تشریفات نامید، از مهم‌ترین بناهای معماری ایرانی به شمار می‌آیند، زیرا به سبب اهمیت آداب و مراسم دیوانی، در طراحی از تعدادی الگوهای مهم معماری استفاده می‌شده است. شمار اندکی از این گونه فضاها باقی مانده است و هنوز انواع و الگوهای طراحی آنها مورد بررسی و شناسایی قرار نگرفته است. هدف این پژوهش شناخت و دسته‌بندی انواع فضاهای دیوانی - تشریفات و فعالیت‌های جاری در آنها است. پرسش اصلی تحقیق این است که فضاهای دیوانی - تشریفات را به چندگونه می‌توان طبقه‌بندی کرد و هر یک دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ مبانی نظری تحقیق بر این مفهوم استوار است که فضاهای معماری بازتاب فعالیت‌های انجام‌شده و آداب‌ورسوم و باورهای یک جامعه است. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است، داده‌های نوشتاری به صورت اسنادی گردآوری شده‌اند و از نمونه‌هایی از این گونه فضاها بازدید به عمل آمده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که انواع فضاهای دیوانی - تشریفات را می‌توان به سه گروه فضاهای بار خاص، فضاهای بار عام و فضاهای عرض لشکر طبقه‌بندی کرد.

کلید واژگان: دیوان‌خانه، فضای بار خاص، فضای بار عام، فضای عرض لشکر.

مقدمه و بیان مسئله

اینک هزاران بنای تاریخی ارزشمند در کشور پهناور ایران با تاریخی بسیار کهن باقی مانده است که به گونه‌های متفاوت فضاهای معماری و شهری تعلق دارند و بسیاری از جنبه‌های کارکردی و کالبدی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند، زیرا از یک‌سو فضاهایی هستند با شمار نسبتاً فراوان و الگوهای مشخص معماری برای فعالیت‌هایی که کمابیش قابل شناسایی هستند مانند واحدهای مسکونی که امکان بررسی ویژگی‌های کارکردی و کالبدی آنها در هر ناحیه از کشور به صورت نسبی میسر است. اطلاعات موجود درباره فضاهای حکومتی و دیوانی هم از جنبه شمار و هم از لحاظ چگونگی انجام فعالیت‌ها اندک است. بنابراین پژوهش بر روی ویژگی‌های کارکردی و معماری فضاهای دیوانی و حکومتی بسیار اهمیت دارد، زیرا از یک‌سو می‌توان داده‌هایی درباره چگونگی انجام چنین فعالیت‌هایی به دست آورد و از سوی دیگر می‌توان شمار اندک بناهای باقی‌مانده را طبقه‌بندی کرد.

بررسی فضاهای دیوانی - تشریفاتی موضوع این پژوهش است. منظور از فضاهای دیوانی - تشریفاتی آن دسته از فضاهایی است که برای انجام برخی مراسم تشریفاتی مانند مراسم سلام تحویل سال، برگزاری بعضی از جشن‌ها و عیدها نظیر عید مبعث، مراسم مربوط به تاج‌گذاری، ولایت‌عهدی، پذیرش سفرا و میهمانان خارجی در بعضی از اوقات، برگزاری مراسم سان و رژه و موارد مشابه اختصاص می‌یافته است. به عبارت دیگر برخی از انواع فضاهای معماری مورد نظر است که مقامات حکومتی با عده‌ای از مراجعه‌کنندگان طی مراسمی تشریفاتی روبه‌رو می‌شدند.

عوامل و پدیده‌های متنوعی سبب شکل‌گیری فضاهای معماری و شهری می‌شوند که به دو گروه قابل تقسیم هستند. نخست عوامل مادی شامل محیط، مصالح، کارکرد و مؤلفه‌های اقتصادی. دوم عوامل فرهنگی که شامل پدیده‌ها و فرایندهای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و هنری است. تمامی انواع فضاهای معماری و شهری به یک نسبت از همه پدیده‌ها و عوامل فوق تأثیر نمی‌پذیرفتند، بلکه هر یک از انواع فضاها به نسبتی متناسب با کارکردش از پدیده‌های فوق تأثیر می‌گرفته است، چنان که واحدهای مسکونی بیش‌ترین تأثیر را از پدیده‌های محیطی و حمام‌ها بیش‌ترین تأثیر را از نوع فعالیت یا به عبارت دیگر از کارکرد داشته است.

فضاهای دیوانی را می‌توان به دو گونه طبقه‌بندی کرد: نخست فضاهایی که در هر دوره و هر منطقه متناسب با ساختار حکومتی و تشکیلاتی و توانایی‌های اقتصادی و سیاسی برای انجام کارهای حکومتی و دیوانی در نظر گرفته می‌شد و از جنبه کالبدی غالباً بسیار متنوع بودند. گونه دوم، فضاهایی بودند که عده‌ای از مردم یا مقام‌های کشوری و لشکری در مناسبت‌های مختلف و طی مراسمی تشریفاتی در آنها حضور می‌یافتند.

به نظر می‌رسد چگونگی و آداب حضور مردم و مقام‌های کشوری و لشکری در هر یک از انواع فعالیت‌های دیوانی - تشریفاتی از یک‌سو با توجه به پیوستگی و تداوم فرهنگ کشورداری و از سوی دیگر نظر به استمرار برخی از الگوهای معماری فضاهای عمومی، آیینی

و دیوانی - تشریفات در کشور به پیدایش الگوهای کمابیش مشخصی با مفهوم معمارانه خاصی منجر شده است که متناسب با شرایط محیطی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی در هر دوره به صورت شکل‌های معینی درآمده است که هم‌زمان دارای تنوع در برخی از جنبه‌های کالبدی بوده‌اند.

روش پژوهش

این پژوهش به صورت کیفی بر روی فضاهایی انجام شده است که در گذشته ساخته شده‌اند و در آن از روش تحقیق تاریخی - تفسیری استفاده شده است. داده‌ها هم به صورت اسنادی و هم به شکل میدانی گردآوری شده‌اند، داده‌های میدانی مربوط به بازدید از برخی بناهای تاریخی است. جامعه آماری تحقیق شامل بناهای دیوانی واقع در محدوده کنونی ایران است و گزینش نمونه‌ها بر اساس خصوصیات کالبدی بناها صورت گرفته است. البته شمار نمونه‌ها محدود است و به همین سبب شاید بتوان بیان کرد که همه نمونه‌های گویا و مناسب مورد توجه واقع شده‌اند. یکی از محدودیت‌های مهم مربوط به نبود داده‌های مکتوب کافی درباره بناهای دیوانی در دوره‌های گوناگون است. افزون بر این، ساختمان‌های دیوانی چندانی از دوره تیموری به قبل باقی نمانده است و نمی‌توان روند شکل‌گیری و توسعه این‌گونه فضاها را به خوبی بررسی کرد.

چگونگی آداب حضور و مراسم دیوانی - تشریفات را می‌توان متغیرهای مستقل و شکل فضاهای معماری متناسب با هر یک از فعالیت‌های دیوانی - تشریفات را متغیرهای وابسته این پژوهش به شمار آورد. به نظر می‌رسد که رسوم و آداب کشورداری در این سرزمین به عنوان یک پدیده فرهنگی همواره تأثیری کمابیش مشخص بر شکل فضاهای معماری دیوانی - تشریفات البته متناسب با شرایط محیطی و تاریخی داشته است.

دیوان و دیوان‌خانه

واژه دیوان را کلمه‌ای پهلوی و به معنی دادگاه، عدالت‌خانه، دفترخانه و دفتر محاسبات دانسته‌اند که از پهلوی پارسی به عربی راه یافت (عمید، ۱۳۵۷: ۹۹۵). نوشته‌اند که وقتی یکی از مرزبانان ایرانی دید که خلیفه دوم در تقسیم غنائم جنگی و امور نظامی دچار مشکل است نهاد "دیوان" ایرانی را برای ثبت درآمدها، هزینه‌ها و غنائم به او معرفی کرد (انصافی، ۱۳۵۶: ۲۹۳). به تدریج نهادها و تشکیلات اداری و دیوانی با گسترش قلمرو اسلام توسعه یافت، چنان‌که شمار دیوان‌خانه‌ها در دوره بنی‌عباس به هفت دیوان‌خانه در امور مالی، کشوری، لشکری، نظامی، حسابداری، دادگستری، رسائل و بندگان اختصاص رسید (همان: ۲۹۳). ممکن بود در پایتخت‌های بزرگ و مراکز مهم ایالتی به سبب تعدد وجود ساختمان‌های دولتی و اداری چند دیوان‌خانه وجود داشته باشد، چنان‌که در اصفهان در دوره قاجار چند ساختمان به عنوان دیوان‌خانه مورد استفاده قرار می‌گرفت (الاصفهانی،

۱۳۶۸: ۳۷). به نظر می‌رسد بسیاری از فعالیت‌های دیوانی در تمام یا قسمتی از فضاهای شبیه به خانه‌ها یا مانند آن انجام می‌شد که الگوی معماری معینی نداشتند. یکی از انواع فعالیت‌های دیوانی در این پژوهش با عنوان فعالیت‌های دیوانی - تشریفاتی نامیده می‌شود و منظور نوعی از فعالیت با حضور عده‌ای از رجال و صاحب‌منصبان یا مردم در برخی مواقع خاص و مشخص و همراه با آداب و تشریفات مشخص است. یکی از این گونه فعالیت‌های دیوانی - تشریفاتی عبارت از مراسم دیوانی بار دادن بود، یعنی عده‌ای از رجال یا مردم یا لشکریان برای انجام مراسمی رسمی یا نیمه‌رسمی به حضور حاکم می‌رسیدند. این نوع فعالیت‌ها به طور معمول به دو دسته، بار خاص و بار عام تقسیم می‌شد و در برخی از دوره‌های تاریخی به مراسمی که لشکریان رژه می‌رفتند و عده‌ای از آنان بازدید می‌کردند، عرض لشکر گفته می‌شد. البته لازم است توجه شود که واژه‌های عام و خاص یا عامه و خاصه برای برخی امور دیگر نیز به کار می‌رفت. به نظر می‌رسد که از دوره قاجار به بعد به تدریج واژه‌های دیگری مانند واژه اداره، وزارت و در مواردی کلمه دفتر و دفترخانه نیز معمول شد و واژه دیوان‌خانه و دیوان به صورت محدود به کار رفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۴ - ۲۱).

انواع فعالیت‌ها و فضاهای دیوانی - تشریفاتی

پدیده‌های بسیار متنوعی در شکل‌گیری انواع فضاهای دیوانی - تشریفاتی نقش داشته‌اند مانند چگونگی و میزان قدرت یک دولت، وسعت سرزمین تابع یک دولت و نحوه اداره کشور، ساختار تشکیلاتی - سازمانی نهادها و اداره‌های دولت؛ زمان و تاریخ شکل‌گیری و تداوم قدرت یک نظام و عوامل و پدیده‌های بسیار متنوع دیگر. به سادگی نمی‌توان دو حکومت یا دو پادشاه را در تاریخ ایران یافت که در زمینه نگرش و رویکردهای دیوانی - تشریفاتی در گذشته یکسان اندیشیده یا عمل کرده باشند زیرا نظام‌های حکومتی در گذشته به شدت فرد محور بودند اما با وجود این در زمینه چگونگی برگزاری مراسم دیوانی - تشریفاتی ساختارها و فضاهای نسبتاً همانند در بسیاری از دوره‌های تاریخی در پایتخت‌های کشور به‌ویژه در دوره‌های استقرار حکومت‌های بزرگ، متمرکز و قدرتمند وجود داشته است که بر پایه آن می‌توان به طور کلی سه نوع فضای دیوانی - تشریفاتی به شرح زیر تشخیص داد: بار خاص، بار عام و عرض لشکر.

بار خاص

بار خاص به طور معمول برای پذیرفتن افراد عالی‌مقام یا نزدیکان و خویشاوندان پادشاه یا حاکم برای مناسبت‌هایی ویژه بود. به طور مثال مراسم تحویل سال در نوروز مخصوص اعیان و رجال دربار و کشور طی بار خاص صورت می‌گرفت. برخی رویدادهای مهم کشوری یا اداری و دیوانی نیز می‌توانست موجب تشکیل بار خاص شود. پذیرش سفرا و نمایندگان کشورهای خارجی یا مراسم مربوط به خداحافظی آنان یا برگزاری بعضی از عیدهای مذهبی

مانند عید مبعث نیز از مواردی بود که ممکن بود مجلس بار خاص برای آن‌ها تشکیل شود. به نظر می‌رسد واژه خاص به مفهوم خواص بود، یعنی گروه از افراد که از اعیان و رجال و مقامات عالی‌رتبه کشوری و لشکری بودند.

فضای بار خاص

به سبب آن‌که به طور معمول عده محدود و کمی در مراسم بار خاص شرکت می‌کردند، از تالارهای مجلل برای این منظور استفاده می‌شد، به‌ویژه در مواردی که سفرا و نمایندگان کشورهای دیگر در مراسمی شرکت داشتند. اسناد موجود نشان می‌دهد که در زمان صفویه و قاجار تنها یک فضا برای تشکیل بار خاص در پایتخت وجود نداشت و مراسم بار خاص را به مناسبت‌های گوناگون ممکن بود در یکی از تالارهای کاخ تشکیل دهند. انگلبرت کمپفر که در دوره صفویه در اصفهان اقامت داشت، نوشته است که شاه صفوی به عمد و برای نشان دادن شکوه دربار هر یک از مجالس بار خاص برای سفرا را در یکی از بناهای مجلل شهر برپا می‌کرد.

”شاه ضرورتی نمی‌بیند که حتماً در جای معینی به سفرا بار بدهد، بلکه وی در هر موقع به دلخواه یکی از کاخ‌های خود را که واقع در یکی از باغ‌هاست برای این منظور معین می‌کند. بدیهی است که این ساختمان باید دارای تالاری درخور پذیرایی گروه کثیری از میهمانان باشد. در چنین مواردی از فراهم آوردن شکوه و جلال بی‌بدیلی خودداری نمی‌کنند تا میهمان را دچار اعجاب و شگفتی سازند“ (کمپفر، ۱۳۶۰: ۲۴۱).

در دوره قاجار نیز هر مرتبه مراسم مربوط به بار خاص در مناسبت‌های گوناگون از جمله تحویل سال در یکی از کاخ‌ها مانند عمارت کلاه‌فرنگی، تالار سلام و ... برگزار می‌شد.

”در اطاق موزه سلطنتی انعقاد این سلام خاص می‌شود. ساعت تحویل در شب یا روز، تمام طبقات محترم نوکر و چند نفر از علمای دارالخلافت را وزیر تشریفات دعوت کرده، با لباس رسمی در آن اطاق حاضر می‌شوند و در آنجا از شیرینی و میوه حاضر کرده‌اند. خطیب در وقت تحویل خطبه به اسم مبارک ائمه علیهم‌السلام و سلامتی شاه می‌خواند و در آن ساعت تیر توپ خالی می‌شود، موافق ساعتی که از روی نجوم معین کرده‌اند“ (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۱).

بار عام

اسناد موجود حاکی از این است که در دوره عباسیان سنت بار عام با اقتباس از بعضی آیین‌های ایران کهن معمول شده بود. در یک مورد گزارش‌هایی از رفتن عضدالدوله (در نیمه

دوم قرن چهارم هجری) به دربار خلیفه طائع در بغداد وجود دارد که نشان‌دهنده مراسمی شبیه به بار عام است.

”خلیفه در سدلی [تالار مزینی که گویا یک سمت آن به سوی حیاط باز بود] در محلی که معمولاً مراسم سلام و بار عام در آن انجام می‌شد، نشست و در اطراف خلیفه نزدیک به یک‌صد غلام با هیئت‌های نیکو و قبا‌های رنگین درحالی‌که کمر بند و شمشیرهای مرصع به جواهر به کمر بسته و گرز و تبرزین در دست داشتند، ایستاده بودند در دو طرف تخت خلیفه ... در میان ستون‌های وسط پارچه‌ای از دیبا که عضالدوله فرستاده بود، کشیده بودند تا چشم احدی از سپاهیان قبل از عضالدوله به خلیفه نیفتد“ (فقیهی، ۱۳۵۷: ۲۳۱).

اسناد و گزارش‌های موجود نشان‌دهنده این است که آداب برگزاری مراسم بار عام در دوره سلجوقیان در دربار بغداد با تجمل بیش‌تر ادامه یافت، در کتاب *تاریخ سلسله سلجوقی* به بار یافتن سلطان طغرل در اواسط قرن پنجم هجری به دربار خلیفه القائم بامرالله گزارشی آورده شده است

”... برای طغرل اسبی پیش آورده شد و او بر اسب سوار شد و سواره بدانان عرصه سلامت و قلعه اسلام وارد شد. پس از اسب پیاده شد و درحالی‌که امیران بدون سلاح در حضورش راه می‌رفتند به اقامتگاه بزرگی رفت ... القائم بامرالله در پشت پرده بر مسندی نورافشان در ایوانی که منزلگاه بزرگواری بود قرار داشت ... هنگامی که طغرل بیگ به جایگاه بزرگواری و پله‌کان پرده‌دار نزدیک شد، پرده طالار برداشته شد و روی خلیفه چون ماه از تاریکی مسند بدرخشید ... تختی برای طغرل بیگ نهاده شد و وی بر آن نشست ...“ (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶: ۱۶).

سلسله مراتب استقرار افراد در مراسم بار عام

درباره چگونگی انجام مراسم تشریفاتی - دیوانی در دوران پیش از اسلام اطلاعات چندانی در دسترس نیست، تنها می‌توان از روی یک حجاری در تخت جمشید که در آن چگونگی استقرار بزرگان کشوری و محافظان نشان داده شده است، بخشی از مراسم را تصور کرد. البته آشکار است که مراسمی که در روی تخت جمشید یا پارسه انجام می‌شده، چندان ساده و با تشریفات ابتدایی نبوده است. حجاری‌های واقع در روی بدنه پلکان شرقی کاخ آپادانا به ۲۳ قسمت تقسیم و در هر یک از آنها نمایندگان عالی یکی از کشورها و سرزمین‌های تابع ایران با نمونه‌هایی از هدایایی که با خود آورده بودند، نشان داده شده‌اند. در جلوی هر گروه از نمایندگان یک راهنما ایستاده و دست نفر اول گروه را در دست گرفته است؛ به احتمال

فراوان به این علت برای هر گروه یک راهنما در نظر می‌گرفتند که مراسم با دقت و بر اساس برنامه و آداب تعریف‌شده جریان یابد.

در حجاری که در عمارت خزانه پیدا شده و برخی از پژوهشگران حدس زده‌اند که متعلق به وسط بدنه پلکان شرقی کاخ آپادانا بوده است، شخص پادشاه بر روی یک صندلی نشسته است. بر اساس تعدادی از نظریه‌ها این شخص داریوش هخامنشی است و خشایارشا پشت سر او ایستاده است که پس از به قدرت رسیدن احتمالاً شایسته ندانسته که حجاری زمان ولیعهدی او بر بدنه پلکان باشد و دستور انتقال آن را به عمارت خزانه داده است. در این حجاری پادشاه و ولیعهد بر روی سکویی با ارتفاع حدود ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر قرار گرفته‌اند و پادشاه بر روی یک صندلی بلند نشسته، به گونه‌ای که ارتفاع سر او با سر ولیعهد در پشت سر، در یک تراز قرار گرفته است و افق دید هر دو بالاتر از افرادی است که در جلو و پشت آنان قرار گرفته‌اند. در دست چپ پادشاه و ولیعهد شاخه‌هایی از گل قرار دارد که به سبب مفاهیم آیینی بوده است. دو پایه و ظروفی در بالای دو سوی آنها قرار دارد که شاید بخوردان بوده است، زیرا بر پایه برخی اسناد، در بعضی از مراسم آیینی گیاهان مقدس و خوشبو سوزانده می‌شد یا به نحوی عطر و بوی آنها در هوا پخش می‌شد تا هوا معطر و در مواردی ضد عفونی شود (گیل‌گمش، ۱۳۷۸: ۴۲). یک مقام دیوانی در جلوی پادشاه، با فاصله‌ای که بخوردان‌ها در میان پادشاه و او قرار گرفته‌اند، در حالتی که دست راست خود را جلوی دهانش گرفته است، در حال بیان مطالبی تصویر شده است.

سند دیگری درباره چگونگی استقرار افراد در مراسم رسمی نوروز در دوره باستان مربوط به برگزاری مراسم نوروز در ایوان کسری در مدائن بر پایه گزارش فردوسی در شاهنامه است. فردوسی این بنا را دیوان شاه نامیده است. وی پس از توضیح چگونگی ساخت این بنا به چگونگی انجام مراسم نوروز در این دیوان به اختصار اشاره کرده است؛ در آن هنگام پادشاه بر روی تخت عاج جلوس می‌کرد و نزدیک او موبد بزرگ قرار می‌گرفت. سپس در جایگاهی کمی پایین‌تر، بزرگان کشوری مستقر می‌شدند. در جایگاهی کمی پایین‌تر، بازاریان قرار می‌گرفتند. افرادی که با عنوان درویش از آنان یاد شده است یا کسانی که به کارهای کشاورزی و پیشه‌های دستی و کارهای خدماتی اشتغال داشتند، در مرتبه‌ای پایین‌تر از بازاریان قرار می‌گرفتند. به این ترتیب به نظر می‌رسد که سطح کف ایوان مدائن به گونه‌ای طراحی و ساخته شده بود. متن این بخش از شاهنامه چنین است:

کسی در جهان زخم چونان ندید	نه از نامور کاردانان شنید
یکی حلقه زرین بدی ریخته	از آن چرخ کار اندر آویخته
فرو هشته زو سرخ زنجیر زر	بهر مهره‌ای درنشانده گهر
چو رفتی شهنشاه بر تخت عاج	بیاویختندی به زنجیر تاج
به نوروز چون برنشستی به تخت	به نزدیک او موبد نیکبخت
فروتر ز موبد مهان را بدی	بزرگان و روزی دهان را بدی
به زیر مهان جای بازاریان	بیاراستندی همه کاربان

(فردوسی، ۱۳۵۴، ج ۵: ۵۸۳۱ - ۵۹۰۰)

شاید در نگاه نخست وجود چهار سطح برای سازماندهی محل استقرار افراد اغراق آمیز به نظر برسد، اما هنگامی که به اسناد باقی‌مانده از چند فضای دیوانی بار عام در کشور در دوره‌های بعد توجه شود، به خوبی آشکار خواهد شد که این نوع سازماندهی فضا وجود داشته و در برخی نمونه‌های بعدی نیز رعایت شده است. چگونگی طراحی کاخ چهلستون در اصفهان سندی بسیار خوبی به شمار می‌آید که وجود چهار سطح (سه سطح در ساختمان و یک سطح زمین پیرامون کاخ) در طراحی، ساخت و انجام مراسم را نشان می‌دهد. توصیف انگلبرت کمپفر از این بنا (کمپفر حدود بیست ماه در اصفهان اقامت داشت، ورود او به اصفهان در سال ۱۶۸۴ / ۱۰۳۱ بود) بسیار گویا و یکی از دقیق‌ترین توصیف‌های تاریخی به شمار می‌آید.

”کف کاخ به سه قسمت تقسیم شده. کف زیرین دو پا از کف حیاط ارتفاع دارد و به نوعی صحنه نسبتاً بزرگ می‌ماند و در ضیافت میهمانان شاه در آنجا می‌نشینند. در اینجا حوض مربعی است به ضلع هشت قدم با دو پله از مرمَر سفید شفاف، از وسط این حوض فواره‌ای بلند می‌شود که لوله‌های آن نامرئی است. کف دوم که چهار پله از اولی بلندتر است برای نشستن بزرگان و محترمین هنگام صرف غذا به کار می‌رود و سرانجام کف سوم یک پله بالاتر از کف قبلی است و کف واقعی کاخ به شمار می‌رود. در اینجا باز حوض دیگری است که خیلی بزرگ نیست اما سلیقه بسیار در ساختن آن به کار رفته و فواره‌ای در میان آن است. در پشت این حوض است که ایوان بسیار مزین و زیبایی قرار دارد. در قسمت عقب در دیوار جایگاهی تعبیه کرده‌اند که مخصوص جلوس شاه است و او به هنگام صرف غذا در آنجا قرار می‌گیرد...“ (کمپفر، ۱۳۶۰: ۲۰۷).

شاردن به صورت مختصر همین سلسله مراتب را به این شکل بیان کرده است:

”عقب‌ترین و بزرگ‌ترین اعظم و رجال دولت روی صفا که تخت شاه در آن است قرار می‌گیرند. در صفا دوم بزرگانی می‌نشینند که از حیث مقام پایین‌ترند. طبقه بزرگان جوان و عموم کسانی که حق حضور در جلسه را ندارند با دسته موسیقی در پایین می‌ایستند و صاحب‌منصبانی که مأمور انجام وظایف می‌باشند در باغ مقابل نظر شاه ایستاده‌اند“ (شاردن، ۱۳۷۹: ۵۶).

در برخی از متن‌های تاریخی به روشنی به وجود چهار عرصه در طراحی و ساخت فضای چهلستون اشاره شده است:

”طالار چهل‌ستون مذکور شاه عباسی که به چهار مرتبه ساخته شده: مرتبه اول که شاه‌نشین می‌نامندش نشیمن‌گاه شاه است. مرتبه دوم که محل ایستادن امرا و وزرا عظیم‌الشأن است. مرتبه سیم جای ایستادن خوانین و سرهنگان معتبر و مستوفیان نامور و باشیان با زیب و فرومنشیان با فصاحت و بلاغت سخنور. مرتبه چهارم که عرصه دولتخانه باشد از دو طرف دریاچه محل ایستادن نظام و صف بستن با اهتمام غلامان خاصه و یساولان و نسق‌چیان و جارچیان و امثال اینان است“ (رستم‌الحکما، ۱۳۸۰: ۶۶).

در گذشته رعایت سلسله مراتب در استقرار افراد در مراسم رسمی همواره مورد توجه قرار داشت و در متن‌های تاریخی به آن اشاره شده است (سعدالدین وراوینی، ۱۳۵۵: ۵۱۴). عمارت تخت مرمر در تهران الگوی فضایی متفاوتی نسبت به عمارت چهلستون اصفهان دارد، هر چند که ایده طراحی و چگونگی استقرار افراد در آن بی‌شباهت به الگوی چهلستون نیست. در این عمارت پادشاه در روی یک تخت در وسط ایوان قرار می‌گرفت و چند نفر از بزرگان در گوشه‌ای از همان ایوان مستقر می‌شدند (بروگش، ۱۳۶۷: ۶۲۲). سپس سایر افراد بر اساس جایگاه و منزلت اجتماعی - اداری خود در محل‌های ویژه‌ای که برای آنان در نظر گرفته می‌شد، قرار می‌گرفتند. توصیف یکی از مراتب صف‌های سلام چنین است:

”جلوی حوض کوچک مخاطب سلام، دست راست او صدراعظم. رو به مغرب کنار حوض کوچک به فاصله چهار ذرع کشیکخانه و غلام پیشخدمت رو به مشرق. مرتبه دوم پشت به حوض بزرگ وزارت خارجه و عدلیه رو به مغرب در خیابان صف نظام و توپخانه و قزاق و فرنگی‌های معلم پشت به نرده رو به شمال نظام‌الملک و اهل دفتر لشکر. خیابان دیگر رو به مشرق مقابل تالار صف قاجار و مستوفی‌ها و فراشخانه و پلیس و متفرقه. تماماً به شاه نگاه می‌کنند و رو به آن سمت ایستاده‌اند. توپچی در کنار حوض، افواج دیگر دور حیاط و در مقابل دم در دخول به حیاط و پشت تخت مرمر در حیاط دیگر تقریباً دو فوج قراول مخصوص و فوج مخصوص. در توی تالار هم شاهزادگان، حالا بعضی از وزراء هم داخل می‌شوند. ... پشت تخت رو به شمال شاه‌نشین کوچکی دارد. جنوب باز، فقط دو ستون مرمر که آقا محمدشاه شهید از شیراز آورده و اقلأ هزار نفر برای حمل این ستون‌ها تلف شدند تا طهران رسید. از عمارت کریم‌خانی کند و آورد“ (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۰۱۱).

فعالیت و فضای عرض لشکر

یکی از فعالیت‌های بسیار مهم دیوانی مربوط به مراسم سان و رژه نظامیان بود که به طور معمول پیش از انجام بعضی از لشکرکشی‌ها یا در برخی از دوره‌ها به صورت سالانه برگزار می‌شد. این اقدام گاه برای سازماندهی نهایی یا ملاحظه چگونگی سامان دادن افراد پیش از اعزام به جنگ و هم‌چنین در مواردی برای نوعی سرشماری عینی و یا در برخی از مناسبت‌ها برای تقویت روحیه سپاهیان و یا انجام مانورهای نظامی و نمایشی انجام می‌شد.

جمعیت زیاد سپاهیان در مراسم رژه و چگونگی حرکت گروهی و منظم آنان و حرکت برخی از سپاهیان به صورت سواره سبب می‌شد که یک فضای وسیع و بزرگ برای این کار در نظر گرفته شود و مقامات کشوری و نظامی برای اشراف به افراد و دسته‌های نظامی در فضا و محلی مرتفع استقرار یابند که فضای آن با فضای بار خاص و فضای بار عام متفاوت باشد. بر پایه سنت‌های معماری و شهرسازی ایران در پایتخت و شهرهای بسیار بزرگ یک میدان برای این منظور در نظر گرفته می‌شد که در جبهه طویل‌تر آن ساختمانی مرتفع می‌ساختند و در آن سمت ساختمان که رو به میدان بود، یک ایوان طراحی و بنا می‌کردند که محل استقرار مقامات عالی کشوری و لشکری در هنگام رژه افراد سپاهی بود.

یکی از کهن‌ترین فضاهایی که حدس زده می‌شود برای سان سپاه و انجام مراسمی با جمعیت فراوان می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد، جبهه غربی کاخ آپادانا در تخت‌جمشید یا پارسه است. در این جبهه بنا یک ایوان ستون‌دار وجود داشته و ارتفاع آن از کف زمین بیش از دوازده متر بوده است. پس از توسعه ساختمان‌ها در روی صفا پارسه، امکان برگزاری مراسم رژه و حرکت عده بسیاری از سپاهیان در روی آن وجود نداشته است و با توجه به ساختار فضاهای حکومتی - سکونت‌گاهی در ایران و هم‌چنین چگونگی طراحی و ساخت جبهه غربی کاخ آپادانا که نسبت به بدنه صفا به صورت بیرون‌زده (همانند بیرون‌زدگی کاخ عالی‌قاپو نسبت به بدنه میدان نقش جهان) ساخته شده است، می‌توان این موضوع را مطرح کرد که از جبهه غربی آپادانا و ایوان آن برای استقرار مقامات کشوری - لشکری در هنگام رژه نظامیان یا گروه‌های بزرگ مردم استفاده می‌شد و از فضای باز واقع در پایین آن به عنوان فضایی میدانگاهی برای این منظور بهره برده می‌شد.

در قرن‌های نخست هجری به سبب نوعی ساده‌زیستی، نظام‌های حکومتی کوچک و ساختارهای اجتماعی قبیله‌ای در بسیاری از شهرهای متوسط و کوچک، میدان‌های ساده و کوچکی برای نگهداری ستوران و وسایل نظامیان (احمد بن ابی‌یعقوب، ۱۳۵۶: ۸۹) و در شهرهای بزرگ و مراکز ایالتی، فضایی ساده در بیرون شهر برای مراسم رژه سپاهیان در نظر می‌گرفتند تا سپاهیان به‌ویژه هنگامی که قرار بود به جنگ اعزام شوند از جلوی مقامات کشوری و لشکری عبور کنند. گزارش شده است هنگامی که ابن‌العمید به دستور رکن‌الدوله (اواسط قرن چهارم هجری) از ری به جنگ حسنویه گُرد می‌رفت، رکن‌الدوله در بیرون شهرری در مکانی ایستاد و حرکت سپاهیان را مورد بازدید قرار داد. در آن دوره، شخصی

موسوم به عریف فرمانده ده نفر سپاهی، نقیب فرمانده ده عریف، قائد فرمانده ده نقیب و امیر فرمانده ده قائد بود (فقیهی، ۱۳۵۷: ۳۸۸).

حکومت غزنوی یکی از نخستین حکومت‌های پس از دوره اسلامی است که به سبب وسعت سرزمین‌های زیر نظر حکومت مرکزی و ثروت و اقتدار، به تدریج ساخت فضاهای طراحی شده شهری و معماری و اختصاص فضا برای مراسم رژه سپاهیان مورد توجه قرار گرفت. ابوالفضل بیهقی در بیان رویدادهای سال ۴۲۹ هجری قمری درباره مراسم سان سپاه در غزنی چنین نوشته است: "و روز دوشنبه نوزدهم ذوالحجه امیر پگاه برنشست و به صحرای باغ پیروزی بایستاد تا لشکر فوج بگذشت" (بیهقی، ۱۳۵۶: ۷۰۲). بیهقی درباره رژه سپاهیان در شهر هرات در سال ۴۳۰ هجری قمری چنین نوشته است: "عید اضحی فراز آمد، امیر تکلفی بزرگ فرمود از حد و اندازه گذشته و هرات شهری است که آن سلاح که آنجا بود به هیچ شهر نبود، روز عید چندان سوار و پیاده تمام سلاح به میدان آمد که اقرار دادند پیران معتمد که به هیچ روزگار مانند آن یاد ندارند" (همان: ۷۸۴). در بیان رویدادهای سال ۴۳۲ هجری قمری به بنا و میدان نزدیک باغ فیروزی اشاره روشن‌تری به این ترتیب صورت گرفته است:

"امیر رضی الله عنه برنشست و به باغ فیروزی آمد و بر خضراء میدان زیرین بنشست - و آن بنا و میدان امروز دیگرگون شده است، آن وقت بر حال خویش بود - و فرموده بود تا دعوتی باتکلف ساخته بودند و هریسه نهاده و امیر مودود و وزیر نیز بیامدند و بنشستند؛ و لشکر گذشتن گرفتند و نخست کوکبه امیر مودود بود: چتر و علامت‌های فراخ و دویست مرد از غلامان سرایی همه با جوشن و مطرد و بسیار جنبیت و جمازه و پیادگان و علامت‌های فراخ و ..." (همان: ۸۹۰).

یکی از دیوان‌هایی که در برخی موارد در طول سال یا در بعضی از مناسبت‌ها، تشریفات رژه لشکریان زیر نظر آن انجام می‌شد، دیوان عرض بود. این دیوان در دوره غزنویان به یکی از پنج نهاد اصلی تبدیل شده بود. نام دیوان‌های دوره غزنوی عبارت است از: ۱ - دیوان وزیر برای مالی و اداره عمومی کشور، ۲ - دیوان رسالت برای مکاتبات اداری و سیاسی، ۳ - دیوان عرض مسئول گردآوری و سازماندهی و تجهیز سپاه، ۴ - دیوان اشراف مرتبط با ارتباطات داخلی و امور جاسوسی و ۵ - دیوان وکالت برای پرداختن به امور املاک، دارایی‌ها و اداره کاخ و برخی دستگاه‌های حکومتی (فرای، ۱۳۶۳: ۱۵۹). دیوان عرض (دیوان الجیش) در دوره سلجوقیان نیز یکی از نهادهای مهم به شمار می‌رفت (لمبتون، ۱۳۶۳: ۳۷) و بر شمار قشون، تجهیزات آنان و پرداخت مواجب آنان سروکار داشت (لمبتون، ۱۳۷۲: ۴۷).

شواهد موجود از دوره غزنوی حاکی از آن است که عرض سپاه در برخی مواقع مانند زمان جنگ یا حداقل سالانه یک مرتبه انجام می‌شد و شخص بازدیدکننده سپاه در مکان بلندی می‌ایستاد.

”هنگام عرض سپاه عارض بر بلندی می‌ایستاد. ترتیب بازدید بدین گونه بود که ابتدا جناح چپ یا میسره رژه می‌رفتند و سپس به ترتیب قلب و جناح راست یا میمنه سپاه. سواران و پیادگان با جنگ‌افزارها و توشه سربازی رژه می‌رفتند. اسامی و اجناس سپاه در جریده‌ای ثبت می‌گردید که نسخه‌ای از آن در نزد نقیب لشکر بود به طوری که در روز نبرد او می‌توانست نیروها را به همان ترتیب انتظام دهد. آن‌گاه نوبت به عرض سران نظامی و صاحب‌منصبان سپاه می‌رسید و اسامی آنان نیز در دفتر ثبت می‌شد.“ (باسورث، ۱۳۵۶: ۱۲۲).

بسیاری از میدان‌هایی که رژه نظامیان در شهرهای کوچک و متوسط در آنها انجام می‌شد، در بیرون محدوده اصلی شهر یا بیرون حصار و دروازه شهر قرار داشتند. برای نمونه می‌توان به میدان سعادت در یزد اشاره کرد (کاتب، ۱۳۵۷: ۹۸). در هنگام سفرهای طولانی یا در وقت ییلاق پادشاه یا حاکمان بزرگ، به طور معمول متناسب با شمار افراد گروه چند خیمه یا چادر می‌زدند که یکی به امور دیوانی و دربار اختصاص داشت و چادر حرم‌خانه با فاصله‌ای مشخص از چادر دربار و چادر پادشاه برپا می‌شد. گزارش اردوی فتحعلی شاه در سه ماه تابستان در چمن سلطانیه نمایانگر چگونگی استقرار فعالیت‌ها و فضاهای گوناگون در این موقعیت‌ها است.

”یک سمت اردو چادرهای کرباسی سراپرده شاه بود، تجیر قرمز کشیده بودند مثل برج و باروی شهر. در سر برج درب سراپرده گوی‌های طلا نصب می‌کردند. درون تجیر سه دستگاه بود: اول چادر دربار که یک جریب زمین را فرا گرفته بود، دویم خلوت که چادرهای شخص پادشاه بود و همه از شال کشمیری دوخته شده بود، سیم چادرهای حرم‌خانه بود. اطراف سراپرده چادرهای کشیک‌خانه و صندوقخانه زده شده بود. سمت دیگر اردو چادرهای ارکان برپا بود. در جلوی سراپرده میدان وسیعی بود که سربازها مشق می‌کردند.“ (مارکام، ۱۳۶۴: ۳۷).

چگونگی انجام تشریفات بر اساس متن‌های تاریخی

خواجه نظام‌الملک طوسی درباره چگونگی بار دادن پادشاه مطلبی را با عنوان /ندرت ترتیب بار دادن خاص و عام به این شرح نوشته است:

”بار دادن را ترتیب باید: اول خویشاوندان درآیند، پس از آن معروفان چشم، پس از آن دیگر اجناس مردمان. چون همه به یکجا درآیند، میان وضع و شریف فرقی نباشد؛ و نشان بار آن باشد که پرده بردارند؛ و نشان آن که راه نبود جز کسی را که خوانند، علامتش آن بود که پرده فرو گذارند؛ تا بزرگان و سران سپاه کس به درگاه فرستند و بدین علامت بدانند که بار هست امروز یا نه. اگر به خدمت باید آمدن بیایند و اگر نیاید آمدن نیایند، که بر بزرگان و سران هیچ از آن سخت‌تر نباشد که به درگاه آیند و پادشاه را نادیده بازگردند؛ و چون به دفعات بیایند و پادشاه را نبینند، بر پادشاه بدگمان شوند و بدسگالیدن آغازند؛ و از تنگ‌باری پادشاه کارهای مردمان فرو بسته شود و مفسدان دلبر گردند و احوال‌ها پوشیده ماند و لشکر آزرده شوند و رعیت در رنج افتند؛ و هیچ ترتیبی پادشاه را بهتر از فراخ‌باری نیست؛ و چون بار دهند، صاحب‌طرفان و امرا و سادات و ائمه را که درآیند و خدمت کنند، شرط آن است که چون پادشاه را بدیدند، ایشان و کسان ایشان جمله بازگردند؛ و خاصگیان چون آنجا بمانند، غلامانی که با ایشان به خدمت آیند بازگردند تا آنجا خواص مانند و غلاماتی کاردان چون سلاح‌دار و آبدار و چاشنی‌گیر و مانند این که لابد حاضر باید بود“ (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۷۷: ۱۴۴).

در متن‌های دوره اسلامی به بار عام پادشاهان دوره باستان ایران اشاره شده است:

”رَسْمِ مُلُوكِ عَجْمِ چنان بودی که روز نوروز و مهرگان رعیت را بار دادندی و از پیش به چندین روز مُنادی بانگ می‌کردی که بسازید فلان روز را؛ تا هر کسی کار خویش بساختندی و قصه‌ها نبشتندی و حجت خویش به‌جای آوردی؛ و آن کس را که خصمی بودی دانستی که از وی به مَلِک خواهد نالیدن، کارِ خویش بساختی. چون آن روز بودی مُنادی مَلِک بر درگاه با استادی و بانگ کردی که اگر امروز کسی، کسی را بازدارد، مَلِک بنهادندی تا وی یک نگاه کردی؛ و مُوبَدَ موبدان را بر دست راست نشانده بودی و موبد موبدان به زبان ایشان قاضی الْقَضَاءَ بود. اگر قصه‌ای بودی که در آنجا از مَلِک بنالیده بودی، مَلِک برخاستی و پیش مُوبَدِ موبدان به دو زانو بنشستی برابرِ خصم؛ و گفتی نخست از همه داوری‌ها دادِ این مرد از من بده و هیچ میل و مُحابا مکن“ (غزالی، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

همین متن با تفاوت بسیار اندک در *سیاست‌نامه* نوشته خواجه نظام‌الملک طوسی نیز آورده شده است (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۷۷: ۴۹) که به برگزاری سالانه دو بار عام در نوروز و مهرگان برای رسیدگی به امور مردم با حضور پادشاه و کمینه یک قاضی عالی‌مقام اشاره شده است. می‌توان حدس زد که آوردن این متن در کتاب‌های قرن‌های پنجم و ششم هجری قمری به طور ضمنی برای آگاهی دادن به پادشاهان و حاکمان آن دوران بوده است.

بین بار عام و بار خاص تفاوت‌های متعددی از لحاظ نوع و منزلت مراجعه‌کنندگان و هم‌چنین آداب حضور و برخی ویژگی‌های فضای معماری وجود داشت. در بعضی از دوره‌ها در هنگام مجلس بار عام پرده جلوی عمارت را برمی‌داشتند، در حالی که در زمان بار خاص چنین نبود.

”... اما فرقی میان بار خاص و عام بیاید، چنان‌که پرده در وقت بار عام برداشته باشد و در خلوت با خاصگان پرده فرو گذاشته و چون خالی نشسته باشد خواص معارف بی‌زحمت حواشی در خدمت روند با یک غلام خاص و معروفانی که جامگی‌ها تمام دارند بیاید فرمود تا به غلامان رزمی و خیل‌تاشان کاردیده معتمد و سلاح و آلت و اُهبت جنگ سازند که شکوه و آیین لشکر را بشاید که آنچه در خزینه نهند یا به جامه‌های رنگین بدهند عُدّت جهان‌داری را نشاید و آدمی معصوم نیست که بشریت غالب است چون از کسی سهوی یا خطایی حادث گردد در ملاء عتایی نفرماید که آب ریختگی حاصل آید، در پوشیدگی او را به خدمت خواند و ...“ (الاصفهانی، ۱۳۶۴: ۶۵).

در سایر متن‌های تاریخی نیز همواره تأکید وجود داشت که به افراد متناسب با شأن و منزلت اجتماعی آنان توجه شود و برای مثال بیان شده که: ”بزرگ را به جای بزرگ و خرد را به جای خرد دارد“ (تاریخ شاهی، ۱۳۵۵: ۴۰). در برخی از متن‌های تاریخی مربوط به کشورداری به صورت جداگانه بعضی از صاحب‌منصبان دولتی مورد خطاب قرار گرفته‌اند و در مورد توجه به خواص و عوام به آنان به طور غیرمستقیم توصیه‌هایی شده است. برای نمونه در کتاب تحفه گفته شده است

”پس حاجب بزرگ را پیش خواند، گفت: تو عدل و امینی، در آن که خواص دولت را بر طریقه مثلی بداری و نگذاری که هر کس از مراتب و موافق خود تجاوز کنند، ایشان را به چشم من نگاه کن و چشم را از چشم من بترسان. اوقات فرصت، عرض احوال و مصالح خلق را فوت مکنو پس با صاحب دیوان نفقات مفاوضت پیوست و گفت: عقلای جهان را معلوم است که هیچ آفریده‌ای را مساعدت سلطنت بی‌اساغت زلال موهبت و افاضت سجال مکرمت دست ندهد؛ و بی‌منازعت بر التزام سنن احسان و انعام بر خاص و عام با عروس دولت بر منصفه خلوت جلوت نتوان نشست“ (فضل‌الله، ۱۳۴۱: ۹۸).

اشاره به چنین متن‌هایی برای این بود که بعضی از حکام ستمکار در دیوان خود شخصی موسوم به میرغضب داشتند و در مواردی اگر این‌گونه از حکام از کسی خشمگین می‌شدند، گاه دستور می‌دادند که همان‌جا فرد مورد غضبت مجازات شود، به همین سبب همواره بسیاری از افرادی که از نزد حکام رفتن نگران بودند، با خود طلسم مخصوص ایمن بودند از غضبت سلاطین و حکام همراه می‌بردند (کاشفی: ۹۳).

چگونگی عرض کردن لشکر

سان دیدن سپاه در برخی از متن‌های تاریخی با عنوان عرض کردن لشکر نامیده شده است. کتاب *آداب الحرب و الشجاعة* اثر محمد مبارکشاه قرن ۶ یا اوایل ۷ ه.ق یکی از متن‌های بسیار مهم و تخصصی در این زمینه است.

”بدان که پادشاه و لکشرکش که چون لشکری را عرض خواهند کرد نخست میسر را عرض کنند پس قلب را آن‌گاه میمنه را و عارض بر بلندی نشیند سپاه عرض کردن را تا هر دو گروه را می‌بیند سوار و پیاده را و خلیفت و نقیب باید که پیش او ایستاده باشند تا سوار و پیاده و اسپان و سلاح و ساز به تمامی عرض کرده شود و به عرض اندر همیشه ذکر خدای بر زبان دارند، نخست سوار بر گستوان و تمام سلاح را عرض کنند و نام و حلیه بنویسند، بعد از آن سوار مفرد را عرض کنند و نام و حلیه بنویسند بعد از آن پیاده موجب‌خوار را عرض کنند و نام و حلیه بنویسند، بعد از آن پیادگانی که برای حسبت و یاری آمده باشند عرض کنند و نسخه کنند و به نقیب لشکر دهند تا بروز حرب همه بدان ترتیب حاضر آیند و نخست عرض امرای بزرگ لشکر کنند بعد از آن امرایی که ایشان را کوس و علم نباشد، بعد از آن هر خیلی که موجب دارند و پیادگان را هم خیل خیل عرض کنند و بنویسند در اهتمام فلان نقیب یا فلان سرهنگ و زینهار که در عرض کردنی که پیش از حرب خواهد بود هیچ استدراک اسپ و سلاح نکنند و همه لطف گویند و بنوازند و امیدوار انعام و تربیب کنند تا به طوع و رغبت در کار آیند و بشاشت نمایند که جانبازی می‌باید کرد“ (مبارکشاه، ۱۳۴۶: ۲۷۷).

موقعیت برخی میدان‌های بزرگ حکومتی - عمومی و فضای عرض لشکر

موقعیت میدان اصلی حکومتی - عمومی در برخی از شهرهای بزرگ به گونه‌ای در نظر گرفته می‌شد با ارگ حکومتی، بازار و مسجد جامع یا یک فضای مذهبی مهم مرتبط باشد مانند میدان امام یا نقش جهان در اصفهان و میدان صاحب‌آباد در تبریز. برخی از مجموعه‌های کوچک حکومتی نیز عناصر و فضاهایی مانند میدان و مسجد را در کنار فضاهای دیوانی و سکونتگاهی داشتند. گزارشی درباره چنین مجموعه‌ای در رودسر چنین اشاره می‌کند:

”و بعد از آن موضعی را قریب به کنار گوارود انتخاب کرده، مسجد جامع احداث فرمودند و به در مسجد، میدان بزرگ بساختند و به طرف شرقی آن میدان، بازار و دکان بنیاد کردند؛ و به در مسجد حمام بنیاد کرده، تمام ساختند و بعد از آن طرف جنوبی آن میدان، حرمرسرای را احداث نموده، قصر

مرغوبی در [آنجا] انجام کردند و طویله اسبان و موضع و مسکن مترددان و صفا اهل دیوان را به سعی تمام به اتمام رسانیدند“ (مرعشی، ۱۳۶۴: ۱۴۴).

ارتباط بین دیوان‌خانه و بخش سکونتگاهی ارگ

در شهرهای بزرگ برای دسترسی مقامات کشوری به دیوان‌خانه و رعایت مسائل امنیتی در ساده‌ترین شکل به طور معمول یک ارگ، قلعه یا فضایی برای دارالحکومه می‌ساختند که بخش سکونتگاهی ضمن متمایز و جدا بودن از بخش دیوان‌خانه، به گونه‌ای در کنار آن یا با فاصله اندکی از آن ساخته می‌شد. در مواردی امکان بروز خطر از سوی مردم یک شهر یا امکان حمله از سوی نیروهای بیگانه وجود داشت، دیوان‌خانه و بخش سکونتگاهی حاکم و نزدیکان او به طور معمول درون یک قلعه یا ارگ و پیرامون آن حصار و برج‌هایی برای حفاظت احداث می‌شد مانند ارگ تهران. در مواردی که وضعیت و قدرت نظامی یک پادشاه به گونه‌ای بود که از سوی مردم شهر یا نیروهای بیگانه خطری وجود نداشت، ممکن بود که مجموعه‌های دیوانی - سکونتگاهی به صورت گسترده در کنار سایر فضاهای شهری شکل گیرد. مجموعه فضاهای حکومتی، تشریفاتی و سکونتگاهی واقع در کنار میدان نقش جهان اصفهان در دوره شاه عباس صفوی از نمونه‌های بارز این‌گونه مجموعه‌ها است.

ارتباط میان دیوان‌خانه و فضاهای حکومتی و تشریفاتی با بخش‌های سکونتگاهی از زمان ارگ‌های حکومتی دوران باستان وجود داشت. در تخت‌جمشید کاخ‌ها و فضاهای سکونتگاهی در بخش جنوبی کاخ آپادانا و تالار شورا یا همان بناهای تشریفاتی - حکومتی طراحی و ساخته شدند و ضمن هم‌جواری با فضاهای حکومتی و خزانه، دارای محدوده‌ای متمایز و حفاظت‌شده و جدا از سایر بخش‌ها بودند. بخش سکونتگاهی یا حرم‌خانه در ارگ‌های دوران اسلامی نیز از سایر بخش‌ها متمایز می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۰). در مجموعه‌های بزرگ حکومتی - سکونتگاهی در پایتخت‌ها و برخی از شهرهای بزرگ، به طور معمول بخش سکونتگاهی با فاصله‌ای نه چندان زیاد از فضای دیوانی طراحی و ساخته می‌شد. تعدادی از فضاهای سکونتگاهی حاکم و اطرافیان او در اصفهان با فاصله اندکی از فضاهای دیوانی و تشریفاتی قرار داشت. در ارگ تهران نیز بخش سکونتگاهی در کاخ گلستان در کنار میدان ارگ و عمارت دیوان‌خانه یا تخت مرمر ساخته شده بود. درباره عمارت دیوان‌خانه و عمارت حرم‌خانه و ارتباط آن با هم در دارالخلافه قزوین در دوره شاه طهماسب صفوی در کتاب *دوحه‌الازهار* چنین آمده است:

ز یک‌سو باغ دیوان‌خانه در پیش
که از باغ ارم صدره بود پیش
ز دیوان‌خانه چون بیرون نهی پای
ز گلزار حرم گردی دلاری

(عبدی‌بیگ، ۱۹۷۴: ۹۸)

در شهرهای کوچک فضاهای ساده و کوچکی به دیوان‌خانه اختصاص می‌یافت و دیوان‌خانه در کنار خانه و باغ حاکم ساخته می‌شد. گزارش تاریخی درباره دیوان‌خانه یزد (ساخته‌شده در ۸۳۳ ه.ق) چنین است: "قریب خانه امیر غیاث‌الدین علی در محلی که تمام آن کوچه خانه‌های آباء و اجداد خواجه عمادالدین مسعود [است] خانه عالی و سراستان و دیوان‌خانه و مسجدی مروح متصل آن عمارت کرده که در آن مسجد دائم به تلاوت کلام‌الله مشغول‌اند" (جعفری، ۱۳۳۸: ۶۱). برخی از شهرها نیز از الگوی پایتخت استفاده می‌کردند؛ دیوان‌خانه شهر استرآباد به دیوان‌خانه تهران در دوره قاجار شباهت داشت.

"تلگراف‌خانه در سردر عالی‌قاپو واقع و مشتمل بر سه اطاق و دو ایوان از یک طرف به میدان توپخانه و از طرف دیگر به حیاط دیوان‌خانه منظر دارد. انبار ذخیره مبارکه در داخل دیوان‌خانه در جنبتین عالی‌قاپو واقع است. حیاط دیوان‌خانه شباهت تامی به دیوان‌خانه دارالخلافه [دارد] و ایوان رفیع و اطاق‌های تحتانی و فوقانی بعینه به ایوان تخت مرمر می‌نماید. ستون‌های این ایوان از چوب چنار و به شکل هشت است و سنگ‌های آزاره از سنگ مرمر و نقاشی است" (صولت‌نظام، ۱۳۵۶: ۲۵).

تخت و محل جلوس مقامات دیوانی

اسناد نوشتاری و تصویری نشان می‌دهند پادشاه یا حاکم در بسیاری از مراسم تشریفات و حکومتی می‌نشستند. در برخی از این‌گونه مراسم، سایر افراد می‌ایستادند و در بعضی از مجالس‌ها به ویژه مجالس‌های بار خاص و اوقاتی که بزرگان کشوری یا نمایندگان عالی‌رتبه سایر کشورها حضور داشتند، همه یا عده‌ای از بزرگان نیز می‌نشستند، اما بر پایه اسناد موجود به طور معمول این‌گونه مجالس‌ها به صورتی سازمان داده می‌شدند که حاکم یا مقام عالی حاضر در جلسه در مکانی محوری و مشرف به فضا و در سطحی بالاتر قرار گیرد. کمبود چوب در نواحی مرکزی ایران و الگوهای رفتاری مربوط به چگونگی استقرار در فضا موجب شده بود که افراد کم‌تر از صندلی، میز و تخت استفاده کنند و تنها در هنگام برگزاری مجالس‌های رسمی، حاکم یا بزرگ جلسه بر روی صندلی یا نوعی تخت جلوس می‌کرد تا در محلی بالاتر از دیگران قرار گیرد. در کورانگان کتیبه‌ای ایلامی از دوره‌ای میان قرن پانزده تا یازده پیش از میلاد قرار دارد که فردی عالی‌مقام را نشسته بر روی تخت یا صندلی با طراحی یک مار تا خورده نشان می‌دهد (پرادا، ۱۳۵۷: ۸۲). در دوره هخامنشی از شکل پنجه شیر و پای گاو برای ساخت پایه برخی از تخت‌ها و جایگاه‌ها استفاده می‌شد. برخی آثار مربوط به دوره ساسانی نشان می‌دهند که پادشاه یا حاکم در هنگام انجام برخی مراسم تشریفات بر روی یک تخت شبیه به یک نیمکت می‌نشست (سلطان‌زاده و موسوی، ۱۳۹۰: ۴۷) که در مواردی پایه‌هایی با شکل‌های جانوری داشتند. داده‌های دوران اسلامی به ویژه پس از حمله مغول با اسناد تصویری متعددی مانند نگاره‌ها نشان می‌دهد که از

تخت‌های متنوعی به صورت یک نیمکت ساده، یا یک صندلی با پشتی بلند و تخت‌هایی با قاب یا صفحه‌هایی کوتاه یا بلند در سه طرف مورد استفاده قرار می‌گرفت (همان: ۵۵). سطح کف برخی از تخت‌ها به شکل شش‌ضلعی (شاید در اصل هشت‌ضلعی بوده است) و در مواردی به صورت مربع بود (سلطان‌زاده، ۱۳۸۷: ۸۵ - ۷۳).

چگونگی جلوس بر تخت و برخی آداب آن

بر اساس گزارش بیهقی از برگزاری مجلس رسمی بر تخت نشستن سلطان مسعود غزنوی، چنین برمی‌آید که بعضی از آداب این مجلس به برگزاری مجلس بار عام در زمان ساسانی در ایوان مدائن شباهت داشته است. یکی از این شباهت‌ها مربوط به تاج سنگین و بسیار مجلل و مزینی است که برای سادگی انجام مراسم آن را با یک زنجیر به سقف ایوان می‌آویختند تا هنگام برگزاری مراسم به گونه‌ای بنشینند که سرش در زیر آن قرار گیرد. این آداب همانند همان کاری است که بر پایه گزارش فردوسی در ایوان مدائن صورت می‌گرفت.

”تخت زرین و بساط و مجلس خانه که امیر فرموده بود و سه سال بدان مشغول بودند و بیش ازین، راست شد و امیر را بگفتند فرمود تا در صفه بزرگ سرای نو بنهند و کوشک را بیاراستند و هر کسی که آن روز آن زینت بدید پس از آن هر چه بدید وی را به چشم هیچ ننمود. تخت همه از زر سرخ بود و تمثال‌ها و صورت‌ها چون شاخ‌های نبات از وی برانگیخته و بسیار جوهر درو نشانده همه قیمتی و دارافزین‌ها برکشیده همه مکمل به انواع گوهر و شاد روانکی دیبای رومی به روی تخت پوشیده و چهار بالش از شوشه زر بافته و ابریشم آگنده - مصلی و بالشت - پس پشت و چهار بالش دو برین دست و دو بر آن دست و زنجیری زر اندود از آسمان خانه سقّه آویخته تا نزدیک صفه تاج و تخت و تاج را در او بسته؛ و چهار صورت رویین ساخته بر مثال مردم و ایشان را [بر] عمودهای انگیخته از تخت استوار کرده چنان‌که دست‌ها بیازیده و تاج را نگاه می‌داشتند و از تاج بر سر رنجی نبود که سلسله‌ها و عمودها آن را استوار می‌داشت و بر زبر کلاه پادشاه بود“

فتحعلی‌شان قاجار برای انجام مراسم دیوانی - تشریفاتی بار عام بر روی یک تخت موسوم به تخت خورشید می‌نشست که پس از ازدواج فتحعلی‌شان با زنی به نام طاووس به تخت طاووس تغییر نام داد. این تخت را هنگام مراسم به ایوان دیوان‌خانه می‌بردند و سپس برای محفوظ بودن جواهرات آن را در یکی از تالارها نگه می‌داشتند. شاه پس از مطرح شدن امکان گم شدن جواهرات به دلیل جابه‌جایی تخت دستور داد که یک تخت مرمر در اصفهان ساخته شود که محل استقرار ثابت آن در ایوان دیوان‌خانه. ساخت این تخت در سال ۱۲۱۵ ه.ق در اصفهان آغاز و در سال ۱۲۱۶ ه.ق تمام و به تهران حمل شد (ذکاء، ۱۳۴۹: ۱۵۴). عمارت دیوان‌خانه پس از ساخت تخت مرمر به عمارت تخت مرمر شهرت یافت.

پادشاه در هنگام انجام مراسم رسمی سلام در دوره قاجار بر روی تخت می‌نشست. در وسط تخت حوض کوچکی قرار داشت که آن را با دست پر می‌کردند و برای انجام مراسم از لوازم و اثاثیه خاصی استفاده می‌کردند، برای مثال درباره مراسم جلوس عام در سال ۱۳۱۳ ه.ق چنین نوشته شده است: "اسباب سلام را از قبیل متکاهای جواهر و تاج کیانی و قلیان سلام را حاضر کرده بودند. تاج کیانی در حضور گذاشته شده بود و تاج تل ذر نشان است بر سر مبارک زینت یافت. جناب مستطاب اشرف صدراعظم شرف مخاطب خاص داشتند. حکیم‌الممالک قلیان سلام را آورد" (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۱).

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در بعضی از دوره‌های تاریخی به‌ویژه در دوران باستان بعضی از فعالیت‌های دیوانی از اهمیتی آیینی نیز برخوردار بودند و باورها و آداب در چگونگی انجام آن فعالیت‌ها و شکل فضاهای معماری مخصوص آنها بازتاب می‌یافته است. یکی از انواع فعالیت‌های مهم دیوانی یا فعالیت‌های دیوانی - تشریفاتی با حضور مقامات عالی حکومتی و عده‌ای از رجال، اعیان و در مواردی مردم یا لشکریان شکل می‌گرفته است و بر پایه شمار جمعیت و موقعیت و منزلت افراد و چگونگی انجام فعالیت به سه گونه قابل طبقه‌بندی بوده است. نخست بار خاص که با حضور عده محدودی از رجال و اعیان برگزار می‌شد. دوم بار عام که با حضور عده بسیاری از رجال، اعیان و مردم انجام می‌شد و سوم، عرض لشکر که برای بازدید از لشکریان و نظامیان بود. هر یک از این فعالیت‌ها در فضاهایی جریان می‌یافتند که در بیش‌تر موارد دارای الگوهای کمابیش معینی در طراحی معماری بودند. شناخت این فضاها و الگوهای آنها در شناسایی بهتر فضاهای حکومتی و گونه‌شناسی آنها بسیار ضروری است. بر پایه نتایج تحقیق می‌توان فضاهایی مانند ایوان شرقی کاخ آپادانا در تخت‌جمشید، ایوان کسری در تیسفون، عمارت چهلستون در اصفهان و عمارت تخت مرمر در تهران را از نمونه‌های عالی و طراحی‌شده فضای بار عام دانست. فعالیت بار خاص در بیش‌تر موارد در تالارهای بزرگ کاخ‌ها انجام می‌شد. فعالیت عرض لشکر در عالی‌ترین و مجلل‌ترین شکل خود در مکان‌هایی مانند ایوان غربی کاخ آپادانا و فضای باز واقع در زیر آن، میدان امام یا نقش جهان در اصفهان و میدان اسب در قزوین انجام می‌شد و در این موارد یک ساختمان مرتفع که غالباً ایوانی در جلوی آن بود، در کنار لبه میدان طراحی و ساخته می‌شد که محل استقرار افراد عالی‌رتبه برای عرض لشکر بود.

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). *المآثر و الآثار*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *تاریخ افضل*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- الاصفهانی، محمود بن محمد بن الحسین (۱۳۶۴). *دستور الوزاره*، به تصحیح: رضا انزلی‌نژاد، تهران: امیرکبیر.
- انصافپور، غلامرضا (۱۳۵۶). *ساخت دولت در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۵۶). *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بروگش، هینرلیش (۱۳۷۶). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*، ترجمه کردیچه، تهران: دنیای کتاب.
- بنداری اصفهانی، ابو ابراهیم (۱۳۵۶). *تاریخ سلسله سلجوقی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۵۶). *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، ج ۲، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- پرادا، ایدت (۱۳۵۷). *هنر ایران باستان*، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: دانشگاه تهران.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۳۸). *تاریخ یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- (مجهول المؤلف) (۱۳۵۵). *تاریخ شاهی*، به کوشش و تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- خواججه نظام‌الملک طوسی (۱۳۷۷). *سیاست‌نامه*، ج ۹، به کوشش جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۹). *تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران*، تهران: انجمن آثار ملی.
- رستم‌الحکما، محمدهاشم (۱۳۸۰). *رستم‌التواریخ*، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران: انتشارات فردوس.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۷). *معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۸۸). *تخت جمشید*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلطان‌زاده، حسین و موسوی، سیده مطهره (۱۳۹۰). *میلمان دوران اسلامی*، آسمان، شماره ۵، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰). *تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران*، تهران: چهارطاق.
- شاردن، ژان (۱۳۷۹). *سفرنامه شاردن*، ترجمه حسین عریضی، به کوشش مرتضی تیموری، اصفهان: نشر گل‌ها.
- صولت‌نظام (۱۳۵۶). *نخبه سیفیه*، در *استرآبادنامه*، به کوشش مسیح ذبیح، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- عبدی‌بیگ (۱۹۷۴). *دوحه‌الازهار*، به تصحیح علی مینایی و ابوالفضل رحیموف، مسکو: انتشارات دانش.
- عمید، حسن (۱۳۵۷). *فرهنگ عمید*، تهران: امیرکبیر.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۲، تهران: اساطیر.
- فرای، ر. ن (گردآورنده) (۱۳۶۳). *تاریخ ایران*، ترجمه: حسن انوشه، ج ۴، تهران: امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۵۴). *شاهنامه فردوسی*، به کوشش و تصحیح محمد رضانی، تهران: کلاله خاور.
- فضل‌الله، میرزا شرف‌الدین (۱۳۴۱). *تحفه*، به اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فقیهی، علی‌اصغر (۱۳۵۷). *آل بویه*، تهران: صبا.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۵۷). *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات فرهنگ ایران‌زمین.
- کاشفی، محمد (؟). *اسرار قاسمی*، تهران: چاپخانه محمدحسن علمی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰). *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، ج ۲، تهران: خوارزمی.
- گیل‌گمش (۱۳۷۸). *ترجمه لوحه‌های میخی: جرج اسمیت*، ترجمه فارسی داود منشی‌زاده، تهران: جاجرمی.
- لمبتن، آن [المبتون] (۱۳۷۲). *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی.
- لمبتون، آن. ک. س (۱۳۶۳). *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.

نگاهی فرهنگی بر نقش جمعیت و منزلت افراد در شکل‌گیری فضاهاى دیوانی - تشریفاتى ۲۷

مارکام، کلمنت (۱۳۶۴). *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه میرزا رحیم فرزانه، تهران: نشر فرهنگ ایران.
مبارکشاه، محمد بن منصور (۱۳۴۶). *آداب الحرب والشجاعة*، به تصحیح: احمد سهیلی خوانساری، تهران، اقبال.

مرعشى، سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین (۱۳۶۴). *تاریخ گیلان و دیلمستان*، به تصحیح منوچهر ستوده، چ ۲، تهران: انتشارات اطلاعات.

